

حاکمان و خانواده در قرآن

محمد عابدی میانجی

خانواده، کوچک ترین واحد اجتماعی است، لکن چون جامعه بشری از اعضای خانواده ها تشکیل می شود، تاثیر عمیق خانواده بر جامعه غیرقابل انکار است.

از این منظر نگاه قرآن کریم به خانواده به دو بخش قابل تقسیم است:

الف) خانواده به عنوان واحد مستقل اجتماعی.

ب) خانواده به عنوان واحد موثر در زیرساخت واحدهای بزرگ تر اجتماعی.

در این نوشته به نقش دوم خانواده و تاثیر و تاثر افراد آن بر واحدهای بزرگ تری که مدیریت آنها را به عهده دارند، پرداخته شده است. در عین حال به بخش اول نیز اشاره شده است.

بخش اول: ویژگی های خانواده رهبران و حاکمان

در کنار ویژگی های عمومی خانواده ها، هر صنف و گروه اجتماعی ویژگی های خاص خود را دارد. از نگاه قرآن کریم، خانواده حاکمان، مدیران و گروه های بالاست (اجتماعی، معنوی و ...) ویژگی های خاص و گاه برتری نسبت به دیگران دارند. برخی از این خصوصیات چنین است.

۱- آگاهی بیشتر

در سوره احزاب آیه ۳۴ بعد از آنکه خداوند دستوراتی به خانواده پیامبر به عنوان پیامبر و رهبر جامعه اسلامی می دهد، می فرماید: «و اذکرن مایلتی فی بیوتکن من آیات الله و الحکمه ؛ و آنچه از آیات خدا و حکمت در خانه های شما تلاوت می شود را به یاد آورید.»

۲- موقعیت برتر

علاوه بر آگاهی بیشتر، انتساب به حاکمان، رهبران موقعیتی برتر، برای زنان پدید می آورد. به این آیه توجه کنیم: «یا نساء النبی لستن کاحد من النساء ان اتقین فلا تخضعن بالقول... (احزاب ۳۲) ؛ ای زنان پیامبر! (شما) همچون یکی از زنان (معمولی) نیستید؛ اگر خود نگهداری (و پارسایی) کنید، پس به نرمی (و ناز) سخن مگویید...»

خداوند متعال در آیات سوره احزاب، هفت دستور ویژه به همسران پیامبر داده است؛ مانند: عفت، شایسته سخن گفتن، در خانه ماندن، نماز، زکات، اطاعت خدا و اطاعت رسول (ص) لکن این احکام برای همه است و حکمت

تکیه آیات بر زنان رسول (ص) به عنوان تاکید است، درست مثل اینکه به شخص دانشمند بگوییم تو که دانشمندی، دروغ نگو(۱). در تفسیر نمونه درباره این آیات آمده است.

«اگرچه مخاطب در این سخنان همسران پیامبرند، ولی محتوای آیات و نتیجه آن همگان را شامل می شود. مخصوصاً کسانی که در مقام رهبری خلق و پیشوایی و تاسی مردم قرار گرفته اند. آنها همیشه بر سر دو راهی قرار دارند؛ یا استفاده از موقعیت های ظاهری خویش برای رسیدن به زندگی مرفه مادی و یا تن دادن به محرومیت ها برای نیل به رضای خدا و هدایت خلق.» (۲)

۳- الگو بودن

همان گونه که حاکمان و رهبران و به طور کلی افراد دارای موقعیت برتر همواره مورد توجه افراد پایین دست بوده و الگوی آنان قرار می گیرند، خانواده آنان نیز همین کارکرد را دارند و خواسته و ناخواسته رفتارشان مورد تقلید و آرزوی دیگر خانواده ها قرار می گیرد. از این رو گروه هایی که همواره در طبقات فوقانی هرم های اجتماعی، علمی، سیاسی و معنوی قرار دارند، اگر صالح باشند، موجب صلاح طبقات پایین تر خواهند شد و در صورت فساد آنان، به سبب نظام الگوگیری از پایین به بالا، فساد تدریجی طبقات پایین نیز آغاز خواهد شد. همین کارکرد است که زورمداران جهان را همواره به فساد کردن زمامداران و قشرهای موثر جوامع واداشته است.

در تفسیر نمونه ذیل آیه ۳۰ سوره احزاب به این واقعیت که خانواده مدیران و رهبران الگوی عملی و نماد راه طی شده و موفقیت آمیز برای دیگران هستند، توجه شده است.

«همیشه مقامات حساس و افتخارآمیز، وظایف سنگینی نیز همراه دارد. چگونه زنان پیامبر می توانند ام المومنین باشند ولی فکر و قلبشان در گرو زرق و برق دنیا باشد؟ ... نه تنها پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به مقتضای آیات پیشین «اسوه» مردم است، که خانواده او نیز باید اسوه خانواده ها و زنانش مقتدای زنان با ایمان تا دامنه قیامت گردند.» (۳)

آری در حقیقت ملاک اصلی در این آیات شخصیت و موقعیت اجتماعی است، لذا علاوه بر همسران پیامبر، تمام افراد صاحب موقعیت اجتماعی را هم شامل می شود و شاید بتواند گفت این افراد در کنار بعد شخصی، دارای بعد اجتماعی هستند و از این لحاظ در روند رویکردها، رفتارها و گزینش های عمومی در جامعه اثر گذارند و به همین دلیل باید به آثار اجتماعی کردارشان توجه شود.

۲۸۹۴

۴- طمع دیگران

آگاهی بیشتر، موقعیت برتر و الگو بودن، عوامل مهمی برای جلب طمع فرصت طلبان و موقعیت جویان است و در طول تاریخ، خانواده حاکمان، رهبران و زعمای سیاسی و مذهبی از این جهت در معرض آسیب بوده اند. به عبارت دیگر این امتیاز بزرگ همواره بزرگ ترین آسیب رسان به رهبران و اهداف آنان بوده است. از این رو خانواده حاکمان باید این خطر را احساس کنند و به عنوان عنصر خط دهنده در رفتارهای خود آن را فراموش نکنند. چنین خطر مهمی است که موجب می شود خداوند از پیامبر بخواهد به همسرانش بگوید:

«ای زنان پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان نیستید، اگر تقوا پیشه کنید، پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگوئید و در خانه هایتان بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (میان مردم) ظاهر نشوید و نماز را بر پا دارید و زکات را پردازید و خدا و رسولش را اطاعت کنید...» (۴)

باید توجه کرد که خداوند در آغاز این آیات می فرماید: «شما اگر تقوا پیشه کنید، مانند زنان دیگر نیستند»، آنگاه تکالیفی که بین همه زنان مشترک است رامی آورد. دلیل چنین کاری چه می تواند باشد؟ به نظر علامه طباطبایی خداوند تکلیف آنها را مورد تأکید قرار می دهد و گویا می فرماید: شما مثل دیگران نیستید، پس واجب است در این گونه تکالیف بیشتر از دیگران، مواظبت کنید. مضاعف شدن پاداش خیر و شر هم گویای همین است، این چون مضاعف شدن پاداش جدای از مؤکد بودن تکلیف نیست. (۵)

۵- مسئولیت فزون تر

مسئولیت هر کسی در یک نظام عادلانه و معقول براساس میزان کارایی و شایستگی های او تعیین می شود. از این رو خانواده رهبران و حاکمان که به دلیل الگو بودن کارایی فزون تری در جامعه دارند، مسئولیت بیشتری هم خواهند داشت و تکالیف آنها سنگین تر خواهد شد و چون میزان ثواب و عقاب متناسب با مسئولیت است، ثواب و عقاب آنان هم افزون تر است. «ای زنان پیامبر! هر کس از شما (کار) زشت آشکاری (به جا) آورد، برای او عذاب دوچندان افزوده می شود و آن بر خدا آسان است. و هر کس از شما برای خدا و فرستاده اش با فروتنی فرمانبرداری کند و (کار) شایسته ای انجام دهد. پاداشش را دویسار به او خواهیم داد؛ و روزی ارجمندی برای او آماده کرده ایم.» (۶) لذا علامه طباطبایی ذیل آیه ۲-۳۱ سوره احزاب یادآور می شود که: «مضاعف شدن جزا از مؤکد بودن تکلیف جدا نیست.» (۷) با این توضیح می توان معنای این آیات را بهتر درک کرد:

۲۸۰۴

بخش دوم: حاکمان و خانواده

همکاری خانواده با حاکمان و مدیران

اینک که ویژگیهای خانواده و رهبران بیان شد، می توان چگونگی تعامل آنها را دقیق تر ترسیم کرد. در این جا باید از دو طرف به موضوع نگریست. ابتدا تعامل سازنده با حاکمان و آنگاه مانع سازی آنان برای حاکمان. البته وظایف رهبران در برابر خانواده (به عنوان طرف دیگر تعامل) هم در این قسمت جای می گیرد که به دلیل اهمیت بحث در بخشی جداگانه به آن خواهیم پرداخت.

۱- تعامل سازنده

مواضع خانواده و بستگان در مقابل رهبران، گاه تعامل مثبت و زمانی تعامل منفی است. یکی از مهم ترین نمونه های تعامل سازنده را می توان همکاری کامل حضرت خدیجه (س) با پیامبر اکرم (ص) در سخت ترین شرایط مکه دانست؛ شرایطی که تصور دشواری آن، غیر ممکن به نظر می رسد. علاوه بر این الگوی جاوید، باید از همسر حضرت علی (علیه السلام) یعنی فاطمه زهرا (علیها السلام) یاد کرد. (۸) به عنوان نمونه قرآنی از همسر حضرت ایوب (۹) نیز یاد می کنیم. در آیاتی از سوره احزاب نیز خداوند همسران پیامبر اکرم (ص) را به همراهی با وی تشویق می کند.

(و من یقنت منکن لله و رسوله و تعمل صالحاً نوتها اجرها مرتین و اعتدنا لها رزقا کریماً) (احزاب/۳۱) هر کس از شما خاضعانه از خدا و پیامبرش فرمان برد و کار شایسته کند، اجرش را دوبار به او می دهیم و برای او عطایی ارجمند آماده کرده ایم.

گرچه مخاطب در این سخنان همسران پیامبرند

ولی محتوای آیات و نتیجه آن همگان را شامل می شود خصوصاً کسانی که در مقام رهبری خلق و پیشوایی و تاسی مردم قرار گرفته اند (نمونه ج ۱۷ ص ۲۸۲)

از میان فرزندان هم می توان به حضرت اسماعیل فرزند حضرت ابراهیم (علیهما السلام) اشاره کرد که الگوی تعامل مثبت است. (صافات/۱۳۷)

۲- تعامل منفی (مانع سازی)

همسران برخی پیامبران چون نوح و لوط، فرزندان تعدادی از آنان مانند فرزند نوح و آدم؛ بستگان برخی پیامبران

۲۸۰۵

مانند پیامبر اکرم(ص) از آن جمله اند. درباره نوح می خوانیم:

«[نوح] گفت: ای قوم من، به من خبر دهید، اگر از جانب پروردگرم دلیلی روشن داشته باشم، و او از نزد خود

رحمتی به من ارزانی داشته باشد که بر شما [به سبب اعتراضات] ناشناخته مانده است، آیا ما می توانیم آن را با این

که از آن کراهت دارید بر شما تحمیل کنیم؟ (احزاب/۲۸)

بخش سوم: وظایف رهبران در برابر خانواده

وظایف حاکمان به تناسب کارکرد ویژه خانواده هایشان، بیشتر از اشخاص دیگر خواهد بود. نگاهی به قرآن کریم

نشان می دهد که وظیفه ابتدایی آنان آموزش خانواده است. قدم دوم، حفظ آنان از خطر و سرانجام در صورت مثمر

ثمر نبودن آن، جدا کردن راه خود از آنان است.

۱: آموزش و تبیین حق

سیره پیامبران (علیهم السلام) مبتنی بر این روش است. به عنوان نمونه به آیاتی اشاره می کنیم: «و ابراهیم و

یعقوب پسران خود را به آن (آیین) سفارش کردند؛ ای پسران من! در حقیقت خدا برای شما این دین را برگزیده

است؛ پس نمیرید مگر در حالی که مسلمانید. آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید (شما) شاهد بودید؟ وقتی که به

پسرانش گفت: «پس از من چه چیز را می پرستید؟» گفتند: معبود تو و معبود نیاکانت؛ ابراهیم و اسماعیل و اسحاق

را می پرستیم و ما تنها تسلیم او هستیم.» (بقره/۱۳۳)

مفسران در ذیل این آیات به مسئولیت پدر در تربیت فرزند و حقوق فرزند بر پدر پرداخته اند (۱۰) اما روشن

است که این اشخاص به عنوان پیامبران الهی و رهبران دینی هم باید مورد توجه باشند. این رهبران خانواده های

خود را آموزش می دهند و در حساس ترین لحظات (هنگام مرگ) آموزه های خود را به صورت توصیه و وصیت

مورد تأکید قرار می دهند.

براساس آیه ۳۸ سوره احزاب نیز پیامبر(ص) هنگام مواجهه با مانع سازی همسران، ابتدا به تبیین راه حق و باطل

می پردازد و به این ترتیب به آنها توضیح می دهد که: «توسعه زندگی و بهره گیری از زندگی و زینتها با همسری

پیامبر و زندگی در کنار او قابل جمع نیست. همین طور هر یک از دوطرف (دنیا-آخرت) را مقید به طرف دیگر می

کند و منظور از «اراده حیات دنیا و زینت هایش» اصل قرار دادن آن است؛ چه آخرت را هم اراده کنند یا نه و مراد از

«اراده حیات آخرت» هم اصل قرار دادن آن «در تعلق قلب به آن» است، چه توسعه دنیوی ایجاد شود یا نه.» (۱۱)

۲: حفظ خانواده از خطر

رهبران و حاکمان علاوه بر آموزش خانواده و تبیین حق و باطل و مواضع خطر، باید در عمل هم برای حفظ خانواده از خطر بکوشند. این کار می تواند با ایجاد حریم یا امر و نهی تحقق یابد. اینکه به توضیح دو راهکار مذکور می پردازیم.

اول: ایجاد حریم اولین توصیه، ایجاد حریم بین اعضای خانواده و دیگران است؛ به گونه ای که لزوم حفظ حرمت و کرامت اعضای خانواده، موجب قطع طمع شود و امکان آسیب رسانی به دیدگاهها، گرایش ها، رفتارها و اظهارنظرهای آنان از بین برود. نمونه هایی از آموزه های قرآنی چنین است:

۱. دستور حجاب به زنان پیامبر(ص)

(احزاب/۵۹)؛ با این که حجاب حکم عمومی است.

۲. دستور به سخن نگفتن با صدای نازک. (احزاب/۳۲)

۳. ماندن در خانه و تبرج نکردن. (احزاب/۳۳)

۴. سخن گفتن با رعایت حریم، با زنان پیامبر(ص)

«ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه های پیامبر داخل نشوید... و چون از آنها (زنان پیامبر) چیزی خواستید،

از پشت حجاب بخواهید. این برای قلب شما و قلب آنها پاکیزه تر است.» (احزاب/۵۳)

نکته مهم در این است که آیات می پذیرند که مردم ناچار از ارتباط با خانواده رهبران و مدیران هستند که این هم

به کارکردهای ویژه آن خانواده ها در جامعه، برمی گردد. بنابراین با پذیرش اصل این نیاز و ضرورت، قرآن کریم

راهکارهایی ارائه می دهد که این ارتباط، سالم و نظام مند باشد و راه سوء استفاده ها بسته شود.

این رویکرد به معنای محدود کردن زنان و خانواده نیست، بلکه هدف از ایجاد مصونیت برای خانواده و

پیشگیری از طمع ورزیهایی است که می تواند اهداف رهبران را مخدوش سازد. از سوی دیگر حاکمان هم برای

پیشبرد اهداف خود، گاه ناچارند از خانواده استفاده کنند؛ بخصوص در حوزه هایی که خود حضور ندارند یا توان

ایجاد ارتباط و تعامل موجود نیست. نمونه ای از این ارتباط را می توان در اوایل نوبت پیامبر(ص) (انجام برخی امور

توسط حضرت خدیجه(س)، زمان امام علی(ع) (فعالتهای حضرت فاطمه(س)، زمان امام حسین(ع) (تلاشهای

حضرت زینب(س)) و دوره امام عسکری(ع) و امام زمان(ع) (زحمات حضرت نرجس خاتون و حکیمه خاتون)

هم دید.

دوم: امر و نهی خانواده علاوه بر ور نگاه داشتن خانواده از خطر، عنصر امر و نهی به طور خاص جایگاه مهمی در آسیب زدایی درونی از خانواده و رهبران و مدیران دارد؛ همین طور که این عنصر، در تمام طبقات اجتماعی چنین کارکردی دارد:

(یا ایها الذین ءآمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره...«(تحریم ۶/)) ای کسانی که ایمان آورده اید، خودتان و خانواده تان را از آتشی هیزم آن مردم و سنگهاست، حفظ کنید.»
از جمله نکات مربوط به بحث در این آیه می توان به این مطالب اشاره کرد:

۱- تعبیر به «قوا» (نگه دارید) اشاره به این است که شما وظیفه دارید که آنها را از سقوط در آتش دوزخ حفظ کنید. (۱۲) همانطور که وظیفه دارید خودتان را حفظ کنید.

۲- براساس آیه، مردان مسئولیت بیشتری در برابر خانواده خود دارند. آیه کریمه با تأکید زیادی به این مسئولیت اشاره می کند.

۳- وقتی از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد چگونه خود و اهل خود را از آتش حفظ کنیم، فرمود: «تامرو نهن و تنهونهن، آنها را امر و نهی کنید» پرسیده شد: عمل نمی کنند! فرمود: وقتی امر و نهی کردید، آنچه را که برعهده تان بود، انجام داده اید. (۱۳)

۴- علامه مجلسی در توضیح چگونگی نگه داشتن خانواده از آتش می نویسد:

الف) دعوت آنان به اطاعت خدا

ب) یاد دادن فرائض و واجبات.

ج) نهی از بدی و امر به خوبی. (۱۴)

در نگاه به آیات قرآن روشن می شود که پیامبران بارها خانواده خود را امر و نهی می کردند و بایدها و نبایدها را معین می نمودند و نکته مهم تر این که آیه (قوا انفسکم و اهلیکم)؛ دقیقا بعد از ماجراهای زنان پیامبر (نافرمانی، افشای اسرار، تقاضاهای مادی ...) آمده است.

۳: جدا سازی راه

اگر روش های پیشین یعنی موعظه و آموزش، حفظ خانواده از راه ایجاد حریم و امر نهی سودی نبخشند و

خانواده بر انحراف خود اصرار ورزید، حاکمان باید راه خود را جدا سازند. لذا خداوند متعال از بشر می خواهد محدودۀ اطاعت از خانواده را بدانند و تا جایی مطیع آنان باشند که به خروج از محدودۀ الهی نینجامد. (عنکبوت / ۸) و تصریح می کند که در صورت تراحم (واتبع سبیل من اناب الی) (لقمان/۱۵)؛ از راه کسانی که به من روی کرده اند، پیروی کن. علاوه بر این خطاب عمومی، خداوند در خطاب به رهبران الهی هم این مرزها را مشخص کرده و خواهان جداسازی مسیر شده است. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن)

پانوشنها:

- ۱- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹۰
- ۲- همان، صص ۲۸۲ و ۲۸۴
- ۳- همان، ص ۲۷۹، و. ک: همان، ج ۱۷ ص ۲۸۴، با توجه به این استدلال نتیجه می گیرند که مفهوم مضاعف یا مرتین افزایش ثواب و عذاب و عقاب است نه دو یا چند برابر شدن آن.
- ۴- احزاب، ۳۲، ۳۳: رک، تبیان، ج ۸، ص ۳۳۴، مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۵۴، تفسیر کبیر، ج ۲۵، ص ۲۰۷
- ۵ و ۶ و ۷ میزان، ج ۱۶، ص ۳۰۷
- ۸- تفصیل فداکاریها و همکاریهای سازنده این دو بانوی بزرگوار در کتب تاریخی فریقین آمده است.
- ۹- میزان، ج ۱۴، ص ۳۱۴
- ۱۰- تفسیر کاشف، ج ۱، ص ۲۰۹
- ۱۱- میزان، ج ۱۶، ص ۳۰۵
- ۱۲- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۸۷
- ۱۳- نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۸۲
- ۱۴- بحار الانوار، همان